

تناصر قرآنی و روایی در شعر عبدی کوفی

فیض اله مددی^۱

غلامعباس رضایی هفتادری^۲

چکیده

در هر برهه ای از زمان شاعرانی بودند که ندای فطرت خود را اجابت نموده، و درستی کلام خداوند و رسولانش را به گوش بشریت می رساندند. از جمله این شاعران که از چشمه جوشان اهل بیت (ع) سیراب می شدند، عبدی کوفی است. گفتار حاضر بر آن است تا به بررسی برخی از روابط بینا متنی قرآنی و روایی در اشعار این شاعر شیعی سده دوم هجری بپردازد که شعرش مورد تایید امام صادق (ع) بوده است. از بررسی اشعار عبدی کوفی مشخص می شود که او در سراسر شعرش از قرآن کریم واحادیث بهره گرفته است.

در این پژوهش ابتدا به پیشینه بینامتنی (تناصر) و مختصری از حیات شاعرو نسبش و تشیع او و خصوصیات شعری او پرداخته ایم و سپس برخی از اشعاری را که شاعر در آنها از قرآن و احادیث بهره گرفته، مورد پژوهش قرار داده ایم.

کلید واژه: بینا متنی، قرآن، حدیث، عبدی

مقدمه

مطالعات ادبی و زبان شناختی قرآن کریم امروزه از حوزه های فعال و پر دامنه ای است که محققان بسیاری بدان تمایل پیدا کرده اند، یکی از زمینه های مطرح در این خصوص نگاه «بینا متنیت» به این کتاب آسمانی است. بر اساس نظریه بینامتنیت متون ادبی کم و بیش و مستقیم یا غیرمستقیم در گفتگو و تعامل طبیعی با متون هم زمان یا پیش از خود و تحت تأثیر آنها هستند. به عبارت دیگر هیچ متنی در خلأ و منفک از دیگر متون شکل نمی گیرد.

بررسی معنا شناسی، متن خوانی و تحلیل متن شعر شاعران و یا سخن و کلام خطیبان سبب شد تا سبکی و روشی تحلیلی تدوین گردد به نام تناصر که فارسی زبانان آن را بینامتنی می خوانند.

اکنون این صنعت به یکی از پر طرفدار ترین تحلیل گران معنا مبدل شده که بسیاری از متون نظم و نثر و تأثیر و تأثرش را بررسی و احصاء می کنند. این پژوهش نیز بر آن است که تأثیر کلام رحمانی و احادیث نبوی را در شعر شاعر شیعی سده دوم هجری به نام سفیان بن مصعب عبدی مورد بررسی قرار دهد.

^۱ _ دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عرب علوم و تحقیقات تهران

^۲ _ دانشیار دانشگاه تهران

در زمینه عبدی کوفی پژوهشهایی صورت گرفته، مقالاتی تحت عنوان: «سفیان بن مصعب العبدی شاعر اهل بیت» (جواد سعدون زاده) و «شاعر ولایت و حریت» (جواد محدثی) منتشر شده است ولی تاکنون اشعار این شاعر شیعی با رویکرد قرآنی و روایی بررسی نشده و مورد پژوهش قرار نگرفته است *

تفاوت این پژوهش با پژوهشهای مشابه این است که در پژوهشهای انجام شده بیشتر به معرفی شخصیت این شاعر و نگرش وی به اهل بیت (ع) پرداخته شده ولی پژوهش حاضر بر آن است که اشعار این شاعر متعهد شیعه که در آن به طور مستقیم یا غیر مستقیم از آیات قرآن کریم و احادیث بهره جسته را مورد تحلیل قرار دهد تا بدین وسیله چهره این شاعر شیعی بیشتر برای اهل ادب شناسانده شود و هم با آیات روح بخش قرآن کریم و احادیث بیشتر آشنا شوند. شاعران بسیاری در طول تاریخ شعر خود را در خدمت اهل بیت (ع) نهاده و در شناساندن رسالت آسمانی معصومین به بشریت، موثر بوده اند. اما بسیاری از این شاعران چه در زمان حیات خود و چه پس از وفاتشان مهجور بودند. از جمله این شاعران عبدی کوفی می باشد که شرح حال او در بسیاری از کتب تاریخی ذکر نشده است. عبدی کوفی فاقد دیوان شعر می باشد. ولی اشعار وی در کتب معتبر مختلف با اندکی اختلاف در برخی اشعار در اعیان الشیعه، الغدیر، ادب الطف و در مناقب ابن شهر آشوب به طور پراکنده آمده که اساس کار در این پژوهش اشعار منقول از اعیان الشیعه می باشد. در این پژوهش ابتدا به پیشینه بینامتنی (تناس) و مختصری از حیات شاعر و نسبش و تشیع او و خصوصیات شعری او پرداخته ایم و سپس برخی از اشعاری را که شاعر در آنها از قرآن و احادیث بهره گرفته، مورد پژوهش قرار داده ایم.

۱- پیشینه بینامتنی:

بینامتنیت intertextuality یا بینامتنی intertextual بر این ایده مبتنی است که «آثار ادبی بر اساس نظام ها، رمزگان ها، و سنت های ایجاد شده توسط آثار ادبی پیشین بنا می شوند. دیگر نظام ها، رمزگان و سنت های هنری و در کل فرهنگی نیز در شکل گیری معنای یک اثر ادبی اهمیتی اساسی دارند. نظریه پردازان امروزی متن ها - خواه ادبی و خواه غیر ادبی - را فاقد هر گونه معنای مستقل می دانند. متون در واقع متشکل از همان چیزی هستند که نظریه پردازان اکنون آن را امر بینامتنی می دانند.

اصطلاح بینامتنیت نخستین بار در زبان فرانسه و در آثار ژولیا کریستوا مطرح شد. کریستوا تنها اصطلاح بینامتنیت را وضع کرده، بلکه با این کار به معرفی چهره ای می پردازد که از آن پس مهم ترین نظریه پرداز ادبی سده بیستم لقب می گیرد. این یعنی اینکه بینامتنیت و آثار باختمین قابل تفکیک از یکدیگر نیست و در فهم بینامتنیت علاناً باید به فهمی از آثار وی دست یافت. (سیدی، ۱۳۹۰، ص ۴۹)

بینامتنیت را در زبان عربی «التناس» ترجمه کرده اند: واژه ای که با واژه «نص» مرتبط می شود. این واژه در زبان عربی، که بر مفاعله دلالت می کند، یعنی آنچه که از چند جهت و سوبه هم مرتبط می شوند. پس متن در بحث بینامتنیت مجموعه ای از تعاملها و وابستگی هاست که در دو سطح معنایی و ساختی خود را نشان می دهد. یعنی هر متنی جزیره ای جدا از دیگر متون نیست. هر متن در نسبت با متون دیگر است که وجود دارد و ارتباط یک متن با متون دیگر از ارتباط

آن با پدید آورنده اش بیشتر است. متون، بافت ها و سیاق هایی را فراهم می آورند که از درون آنها می توان متون دیگر را خلق و تفسیر کرد. (همان، ۵۰)

در مسأله بینا متنیت باید میان برخی از اصطلاحات در این حوزه، بویژه اصطلاحاتی که در متون سنتی ادب عربی مطرح بوده است، تفاوت نهاد.

اصطلاحات زیر در اینحوزه مطرح اند:

۱. استشهاد: که شکل آشکار بینا متنیت است

۲. سرقت ادبی: نسبت به استشهاد چندان روشن نیست.

۳. توصیف متنی: رابط بین متن و متنی است که از آن سخن می گوید.

۴. تضمین: شاعر یا نویسنده در شعر یا نثر خود، از شعر یا نثر دیگری بهره گیرد.

۵. اقتباس: بخشی از تضمین است.

برخی از ناقدان معاصر عرب اقتباس، تضمین و استشهاد را نمونه هایی از بینا متنیت می دانند. می گویند: «بینا متنیت همان تضمین متنی از متن دیگر است و یا تعامل خلّاق متن حاضر و متن غایب است، متن هم همان زایش متون قبل از خود است.

نسبت تضمین با بینا متنیت هم نسبتی نزدیک است. تضمین در میان شاعران امر رایجی است و برخی ناقدان آن را از زیبایی های کلام می دانند. حضور متن یا نوشته یک شاعر یا نویسنده گاه به اشاره است و گاه به ارجاع و گاه به تضمین لفظ و معنا است. (سیدی، ۱۳۹۰، ص ۵۳)

۲-نسب عبدی کوفی:

ابو محمد سفیان بن مصعب عبدی کوفی از شعرای مشهور شیعه است. کنیه او ابومحمد یا ابو عبدالله و نام او، سفیان یا سیف ضبط شده و در هر حال به عبدی کوفی معروف است. کلمه عبدی از باب نسبت به عبد القیس بن ربیع بن نزار است.

در نسب این شاعر کمتر بحث شده است و بسیاری از نویسندگان تاریخ و تاریخ ادب مانند: ابو الفرج اصفهانی، حنا الفاخوری، عمر فروخ و جرجی زیدان شرح حال او را ذکر نکرده اند. شاید علت آن نوعی غرض ورزی به این شاعر متعهد شیعی باشد. (کرمانی، ۱۳۸۸، ص ۱۸۶)

علامه حلی در کتاب رجال خود در یکجا نام او را «سیف بن مصعب العبدی ابو محمد» و در جایی دیگر «سفیان بن مصعب العبدی» ذکر می کند ولی در هر دو جا از لقب العبدی استفاده نموده و در هر دو جا به روایت «الکشی» آورده که امام صادق در حق او فرموده «علّموا اولادکم شعر العبدی» (حلی، ص ۱۳۱)

آوردن این حدیث برای هر دو اسم نشانگر این است که منظور علامه در هر دو جا یک نفر می باشد. (سعدون زاده، ۱۳۵۹، ص ۵۸۹) اما ابن داود در قسمت اول کتابش این چنین آورده است «سیف بن مصعب العبدی الشاعر» امام صادق

(ع) در باره اش فرموده: «یا معشر الشیعة علّموا اولادکم شعر العبدی فإیّاه علی دین الله» (رجال ابن داود، ص ۱۰۸) و در قسمت دوم کتابش این چنین آورده است «سفیان بن مصعب العبدی المجهول» (رجال ابن داود، ص ۲۴)

۱-۲ ولادت و وفات عبدی کوفی

تاریخ مشخصی در باره زمان تولد و وفات عبدی کوفی ذکر نشده است سید محسن امین در اعیان الشیعه بدون اینکه سخنی از تولدش بیاورد، وفات وی را در سال ۱۲۰ هجری می داند (امین، ۱۴۰۳، ج ۷، ص ۲۶۷)

علامه امینی این نظر را رد می کند و می گوید: تاریخ تولد و وفات عبدی را دقیقاً به دست نیاوردیم، جز اینکه می دانیم به خدمت امام صادق (ع) رسیده و از آن حضرت روایت می کرده و با سیدحمیری (متولد ۱۰۵، متوفی ۱۷۸ هـ ق) دیدار کرده است. با «ابو داوود المسترق» نیز مراد داشته و این مرد از عبدی روایت می کرده و چون با تحقیقی که ارائه کرده است، ولادت «ابو داوود» را در سال ۱۶۰ یا ۱۶۱ هـ ق می داند بنابراین برای اینکه بتواند از عبدی روایت کند باید از لحاظ سنن و وضعیت مناسبی داشته باشد. براین اساس عمر عبدی باید تا اواخر حیات حمیری (۱۷۸ هـ ق) ادامه داشته باشد و تاریخ مضبوط از صاحب اعیان الشیعه به هیچ وجه موجه نیست. (امینی، ۱۳۶۶، ج ۲، ص ۲۹۷)

۲-۲ تشیع عبدی کوفی

عبدی از شعرای پاک و مخلص اهل بیت است. ابو عمرو کثّی در کتاب رجالش به سند خود از سماعه نقل می کند که امام صادق (ع) فرمود: «علّموا اولادکم شعر العبدی فإیّاه علی دین الله». (کرمانی، ۱۳۸۸، ص ۱۸۷)

شیخ کلینی به سند خود روایت کرده که سفیان گفته است: روزی به محضر امام صادق (ع) شرفیاب شدم، آن حضرت دستور فرمودند: ام فروه - دختر آن جناب - بیاید و بشنود که با جدش چه کردند. ام فروه آمد و پشت پرده نشست، آنگاه امام به من فرمود: برای ما مرثیه بخوان سفیان گوید: چون به خواندن اشعار پرداختم و گفتم: فَرُوْ جودی بدمعک المسکوب یعنی ای ام فروه، اشک ریزانت را نثار کن ... ام فروه و سایر زنان شیون کردند، امام فرمود: در خانه را، در خانه را [مواظب باشید که بیگانه ای وارد نشود] و مردم مدینه بدر خانه جمع شدند، امام پیغام دادند: کودکی از ما بیهوش شده بود زنان بدان خاطر شیون کردند. (صدر، ج ۹، ص ۱۹۲)

این گونه برخورد امام صادق (ع) می رساند که حضرت با او مراد و دوستی نزدیکی داشته است. به طوری که برای استماع ذکر مصیبت او، اهل منزل را هم احضار می فرماید.

علامه امینی او را از شعرای اهل بیت، که ولای آنان را با خلوص و قصد قربت در دل داشته، می شمارد و به همین خاطر مورد قبول و تأیید آن بزرگواران و از جمله امام صادق (ع) واقع شده است.

۳-ویژگیهای شعر عبدی کوفی

شعر عبدی منسجم، جزیل، شیرین و متین است و برای منزلت آن همین بس، که سید حمیری در شعر، او را برتر از خود خوانده است. ابو الفرج اصفهانی به سند خود نقل می کند که سید حمیری با عبدی نشستند، سید حمیری گفت:

إئی آدین بما دان الوصی به
و بالذی دان یوم النهران به
یوم الخریبة من قتل المحلینا
و شارکت کفه کفی بصفینا

عبدی گفت: اشتباه کردی اگر کف تو با کف او مشارکت داشته باشد تو نیز مثل او خواهی بود. بگو «تابعت کفّه کفی» که تو تابع باشی نه شریک.

سید بعد از آن همیشه می گفت: «انا اشعرُ الناس و لا العبدی» یعنی من شاعرترین همه مردم هستم، ولی از عبدی شاعرتر نیستم (کرمانی، ۱۳۸۸، ص ۱۸۸)

سفیان بن مصعب در زبان راویان و تذکره نویسان با عنوان «شاعر آل محمد» و «شاعر اهل بیت» نامیده شده است (محدثی، ص ۴۴) شعر وی بسیاری از مناقب امیر المومنین را در خود جمع کرده و مدح او و ذریه طیبه اش رافراوان نموده است در باره غیر اهل بیت شعری از او ندیده ایم (امینی، ۱۳۶۶، ج ۲، ص ۲۹۴)

اگر به مضامین اشعار او نگاهی بیفکنیم، برای ما روشن می شود که شیعه ای بی پیرایه و علاقه مندی پر سوز و گداز به اهل بیت (ع) بوده است.

شعر عبدی کوفی در کتاب اعیان الشیعه ذکر شده و از معروفترین سروده های عبدی قصیده «بائیه» اوست که صاحب الغدیر ۸۶ بیت و صاحب ادب الطف ۹۸ بیت از آن را تحت عنوان «غدیریه» آورده است.

بیشتر اشعار عبدی در منقبت امام علی (ع) می باشد و اشعاری هم در باره ائمه معصومین (ع) سروده است. به عبدی نسبت غلو داده اند (الکشی، ۱۴۰۴، ج ۲، ۷۰۴) ولی اگر اشعار او مورد بررسی قرار گیرد مشخص می شود که اشعار او آئینه تمام نمای احادیث نبوی و آیات قرآنی می باشد و نشان دهنده اعتقاد راسخ او به اهل بیت (ع) می باشد.

۴- بینامتنی قرآنی در شعر عبدی کوفی

در این بخش که پیکره اصلی مقاله را در بر می گیرد به برخی از اشعار عبدی کوفی که متأثر از آیات قرآن کریم و احادیث بوده اشاره شده است.

۴-۱ اعراف و اهل بیت (ع)

لَأَنْتُمْ عَلَى الْأَعْرَافِ أَعْرَفٌ عَارِفٍ بِسِيمَا الَّذِي يَهْوَأُكُمْ وَالَّذِي يَشِينَا

(امین، ۱۴۰۳، ج ۷، ص ۲۶۹)

ترجمه بیت: شما بهترین عارفانی هستید که در «اعراف» دوستان و دشمنان خود را به چهره می شناسید.

این شعر عبدی که در آن کلمه «اعراف» که نام یکی از سور مبارکه قرآن کریم نیز ذکر شده است به آیه ۴۶ سوره اعراف اشاره دارد: «بَيْنَهُمَا حِجَابٌ وَ عَلَى الْأَعْرَافِ رِجَالٌ يَعْرِفُونَ كَلًّا بِسِيمَاهُمْ وَ نَادُوا أَصْحَابَ الْجَنَّةِ أَنْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ لَمْ يَدْخُلُوهَا وَهُمْ يَطْمَعُونَ»

ترجمه آیه: میان آن دو گروه حجابی است و بر اعراف مردانی هستند که هر دو گروه را از سیمایشان می شناسند و بهشتیان را که هنوز وارد آن نشده و با آن امید بسته اند، ندا می دهند که: سلام بر شما.

اعراف به معنای قسمت بالای حجاب و تل های شنی و عرف به معنای یال اسب و تاج خروس و قسمت بالای هر چیزی است. معلوم می شود این کلمه به هر معنایی استعمال شود، معنای علو و بلندی در آن هست و از اینکه حجاب را قبل از اعراف ذکر کرده و همچنین از اینکه فرموده اهل اعراف مشرف بر جمیع مردم از بهشتیان و دو زخیان هستند معلوم

می شود که منظور از اعراف قسمت بالای حجابی است که حائل بین دوزخ و بهشت است، به طوری که اعرافیان از آنجا هم دوزخیان را می بینند و هم بهشتیان را (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۸، ص ۱۵۲)

در این باره طبرسی در مجمع البیان حدیثی را از امیرالمومنین (ع) نقل می کند: «نحن نقف يوم القيامة بين الجنة و النار، فمن ينصرا عرفناه بسيماء فأدخلناه الجنة ومن ابغضنا عرفناه بسيماء، فأدخلناه النار» (طبرسی، ۱۴۰۸، ج ۳، ص ۴۲۳)

ترجمه حدیث: ما در روز قیامت بین جهنم و بهشت می ایستیم پس هر کس کس که ما را یاری کند به چهره اش می شناسیم پس او را در بهشت داخل می کنیم و هر کس که به ما دشمنی ورزد او را به چهره اش می شناسیم، و او را در جهنم وارد می کنیم.

۲-۴-اهل بیت (ع) و شفاعت

أُئْمِنَّا انْتُمْ سُدْعَى بَكُمْ غَدًا إِذَا مَا إِلَى رَبِّ الْعِبَادِ مَعًا قُمْنَا

(امین، ۱۴۰۳، ج ۷، ص ۲۶۹)

ای پیشوایان دین! شما کسانی هستید که در روز قیامت همه بندگان به سوی شما خوانده می شویم.

این شعر عبدی به آیه ۷۱ سوره مبارکه اسراء اشاره دارد «يَوْمَ نَدْعُو كُلَّ اُنَاسٍ بِاِمَامِهِمْ». روزی که هر قومی را به امام شان می خوانیم. و ائمه هداة و معصومین کسانی هستند که شیعیان را به نام آنان فرا می خوانند و با آنها محشور می کنند. در همین زمینه احادیثی از پیامبر از پیامبر اکرم (ص) منقول است که در تایید آیه مذکور است آنجا که می فرماید: «المرءُ مع من أحب» یعنی انسان با دوست خود خواهد بود. و «ومن أحب قوماً حُشِرَ معهم» یعنی هر کس به قومی مهر بورزد، با آنان محشور می شود. «و ومن أحب قوماً حَشَرَهُ اللهُ في زمرةم» یعنی هر کس قومی را دوست بدارد، خداوند وی را در زمره آنان محشور می فرماید. (امینی، ۱۳۶۶، ج ۲، ص ۳۲۵)

۳-۴-واقعه غدیر و آیه تبلیغ:

وكانَ عنها لهم في خمٍّ مُزْدَجَرٌ
لما رقى احمدُ الهادي على قَتَبِ
وقالَ والناسُ من دانِ اليه ومن
ثاو لديه و من مُصْغٍ و مرتقبِ
قُم يا علي فإني قد أمرتُ بأن
أُبَلِّغُ الناسَ و التبليغُ اجدرُ بي
إني نصبتُ علياً هادياً علماً
بعدي و إن علياً خيراً منتصبِ

(همان: ۲۹۲)

ترجمه: و برای آنها در روز خم عبرتی است هنگامی که پیامبر هدایت کننده از جهاز شتران بالا رفت و به مردمی که پیرامونش گرد آمده یا در خدمتش نشسته و به سخنانش گوش می دادند و نگرانش بودند گفت: برخیز ای علی من دستور گرفته ام که به مردم ابلاغ کنم و این تبلیغ برای من شایسته تر و بهتر است. من علی (ع) را به عنوان هدایت کننده و راهنمائی بعد از خود منصوب می کنم و یقیناً علی (ع) بهترین جانشین است.

عبدی کوفی یکی از شعرای غدیر در قرن دوم هجری است که درباره این رویداد مهم که مورد اتفاق علمای شیعه و سنی می باشد شعر سروده لذا اعلامه امینی صاحب الغدیرنام او را در در ردیف شعرای غدیر ذکر کرده و در باره این شاعر به طور مفصل سخن گفته است.

در ابیات فوق الذکر در مصرع اول بیت دوم: و كَانَ عَنْهَا لَهُمْ فِي خَمٍّ... به طور مستقیم به واقعه غدیر خم اشاره میکند که پیامبر اکرم (ص) در آخرین سال عمرش در هنگام بازگشت از حجة الوداع در محلی به نام غدیر خم علی (ع) را به عنوان وصی و جانشین خود برگزید.

و عبارت ابلاغ الناس به طور بینا متنی مستقیم به آیه ۵۵ سوره مبارکه مائده (آیه تبلیغ) اشاره دارد: يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ.

ترجمه آیه: ای پیامبر آنچه را که از جانب پروردگارت بر تو نازل شده است ابلاغ کن که اگر آن را انجام ندهی رسالتش را ابلاغ نکرده ای و خداوند تو را از شرم مردم ننگه می دارد و خداوند گروه ستمکاران را هدایت نمی کند بنابر این با نزول این آیه در روز غدیر پیامبر اکرم (ص) رسالتی که به آن مامور شده بود را به انجام رساند و ولایت علی (ع) را علناً به حاضران ابلاغ کرد.

۴-۴- صادقون و سابقون و امام علی (ع)

أهل الفضائلِ و المناقبِ	آل النبي محمدٍ
و المنقذونَ مِنَ اللّوَابِ	و المرشِدونَ مِنَ العَمَى
السابقونَ الى الرغائبِ	الصادقونَ الناطقونَ

(امین، ۱۴۰۳، ج ۷، ص ۲۷۰)

ترجمه: خاندان پیامبر محمد (ص) اهل فضیلت و بزرگی هستند و هدایت کننده از گمراهی و نجات دهنده از راه دشواری و سختی می باشند. راستگویان و سبقت گیرندگان به سوی خوی بیها هستند.

در این شعر العبدی با کلمه الصادقون به آیه ۱۱۹ سوره توبه اشاره می کند «یا ایها الذین آمنوا اتقوا الله و کونوا مع الصادقین» یعنی ای کسانی که ایمان آورده اید از خدا پروا کنید و با راستگویان باشید.

علامه امینی در الغدیر با ذکر اسناد از جابر و ابن عباس نقل میکند که منظور از از صادقین در آیه مذکور علی بن ابی طالب و اهل بیتش می باشد. و ابن عباس می گوید علی سید صادقین است. (امینی، ۱۳۶۶، ج ۲، ص ۳۰۶)

و در مصرع دوم بیت: السابقون برگرفته شده از آیه ۱۲-۱۰ سوره واقعه می باشد که خداوند می فرماید: «السابقون السابقون» او لئک المقربون فی جنّات النعیم» در همین رابطه شیخ مفید در أمالی با اسنادش از ابن انس نقل می کند: قال: سألتُ رسول الله (ص) عن قول الله عزّ و جلّ «السابقون السابقون» او لئک المقربون فی جنّات النعیم» فقال: قال لی جبرئیل: ذلک علی و و شیعته السابقون الی الجنّة، المقربون الی الله تعالی بکرامته لهم.. (شیخ مفید، بی تا، ص ۲۹۸)

ترجمه حدیث: از رسول خدا در باره سخن خدای تعالی سابقون ... سوال کردم پس فرمود: جبرئیل به من گفت: آن علی (ع) و شیعیانش هستند که به سوی بهشت سبقت می گیرند و با کرامت او به خدای تعالی نزدیک می شوند.

۵-۴-آیه ولایت و امام علی (ع)

ذاک المصدّقُ فی الصلاة بخاتمٍ و بقوته للمستکین السارِب

(امین، ۱۴۰۳، ج ۷، ص ۲۶۹)

ترجمه بیت: او کسی است که در نماز با انگشتی صدقه می دهد و غذایش را به تهیدست نیازمند می دهد. عبدی در بیت اول به طور مستقیم به آیه ۵۵ سوره مائده (آیه ولایت) اشاره دارد «إِنَّمَا وَلِيكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ»

ترجمه آیه: همانا سر پرست شما خداست و رسولش و کسانی که ایمان آورده اند کسانی که نماز می خوتند و زکات میدهند در حالیکه در رکوعند.

۶-۴-وجوب دوستی اهل بیت (ع)

وَلَا هُمْ فَرَضٌ مِّنْ آلِ رَحْمَانَ فِي الْقُرْآنِ وَاجِب

(امین، ۱۴۰۳، ج ۷، ص ۲۷۰)

ترجمه: دوستی شما (اهل بیت) از جانب خدای رحمان در قرآن واجب شمرده شده است. در این بیت عبدی با عبارت: فولاهم فرض ... به آیه ۲۳ سوره شوری اشاره می کند (مودة فی القربی) که همان دوستی اهل بیت (ع) است آنجا که خداوند متعال می فرماید «ذَلِكَ الَّذِي يَبْتَئِرُ اللَّهَ عِبَادَهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ اجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى وَمَنْ يَقْتَرِفْ حَسَنَةً نَّزِدْ لَهُ فِيهَا حَسَنًا إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ شَكُورٌ»

ترجمه آیه: این همان پاداشی است خدا بندگان خود را که ایمان آورده اند و کارهای شایسته انجام داده اند بدان مژده می دهد. بگو: من برای این رسالت مزدی از شما نمی خواهم مگر محبت و دوستی خویشان [اهل بیت] را. و هر کس نیکی کسب کند برای او در آن نیکی می افزاییم. بی تردید خداوند آمرزنده قدرشناس است.

زمخشری در تفسیر کشاف در ذیل تفسیر آیه مذکور می گوید: رُوِيَ أَنَّهَا لَمَّا أَنْزَلَتْ قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ مَنْ قَرَابَتِكَ هَوْلَاءَ الَّذِينَ وَجِبَتْ عَلَيْنَا مَوَدَّتُهُمْ؟ قَالَ: عَلِيٌّ وَفَاطِمَةُ وَالحسنُ وَالحسينُ (ع) (زمخشری، بی تا، ج ۴، ص ۲۲۰)

ترجمه حدیث: روایت شده است هنگامی که این آیه نازل شد به رسول خدا گفته شد نزدیکانت که دوستی شان بر ما واجب شمرده است چه کسانی هستند؟ فرمود: علی (ع) و فاطمه (س) و امام حسن (ع) و امام حسین (ع).

حسکانی در کتاب شواهد التنزیل حدیثی را با اسنادش از پیامبر نقل می کند: «قال رسول الله: إِنَّ اللَّهَ خَلَقَ الْأَنْبِيَاءَ مِنْ شَجَرٍ شَتَّى وَخَلَقَنِي وَعَلِيًّا مِنْ شَجَرَةٍ وَاحِدَةٍ فَأَنَا أَصْلُهَا وَعَلِيٌّ فَرْعُهَا وَالحسنُ وَالحسينُ ثَمَارُهَا - وَاشْيَاعُنَا أَوْرَاقُهَا، فَمَنْ تَعَلَّقَ بِغَضَنِ مَنْ اغْصَانِهَا نَجَا، وَ مَنْ زَاغَ هَوَى، وَ لَوْ أَنَّ عَابِدًا عَبَدَ اللَّهَ أَلْفَ عَامٍ ثُمَّ أَلْفَ عَامٍ - ثُمَّ أَلْفَ عَامٍ ثُمَّ لَمْ يَدْرِكْ مَحَبَّتَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ أَكَبَهُ اللَّهُ عَلَى مَنَخَرِيهِ فِي النَّارِ ثُمَّ تَلَا: قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ اجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى» (حسکانی، ج ۱، ص ۵۵۴)

ترجمه حدیث: رسول خدا فرمود: خداوند پیامبران را از درختهای مختلف آفرید و من و علی را از یک درخت خلق کرد پس من اصلم و علی فرع آن است و حسن و حسین میوه هایش - و شیعیان ما برگهایش هستند، هرکس به شاخه ای از شاخه هایش آویزان شود، نجات می یابد، و هر گمراه شود هلاک می شود، و اگر عابدی خدا را هزار سال سپس هزار سال سپس هزار سال عبادت کند اما محبت ما اهل بیت را درک نکند خداوند او را به بینی در آتش می افکند سپس این آیه را تلاوت کرد: *قل لا أسئلكم عليه اجراً إلا المودة في القربى*.

۷-۴- صراط مستقیم و اهل بیت (ع)

و هم الصراط المستقیم فوقه ناج و ناکب

(امین، ۱۴۰۳، ج ۷، ص ۲۷۰)

ترجمه: و آنها راه راست هستند و بر بالای آن نجات یافته و گمراه شده هست. علامه امینی در ذیل این شعر با ذکر سند احادیثی را نقل می کند از جمله: *ثعلبی فی الکشف و البیان*، فی قوله تعالی «اهدنا الصراط المستقیم» قال مسلم بن حیان: سمعتُ ابا بريدة يقول: صراط محمد و آله. که صراط را پیامبر (ص) و خاندانش می داند (امینی، ج ۲، ص ۳۱۱)

همچنین از قول حمّوئی با اسنادش از اصبع بن نباته از علی (ع) در قول خدای تعالی: «إِنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ عَنِ الصِّرَاطِ لَنَاكِبُونَ» (مومنون/۷۵) می گوید: صراط، ولایت و دوستی ما اهل بیت است. (همان/۳۱۱) و از قول خوارزمی در المناقب می گوید: صراط بر دو نوع است صراط در دنیا و صراط در آخرت. اما صراط دنیا علی بن ابیطالب است و صراط آخرت پل جهنم، هر کس صراط دنیا را بشناسد اجازه ورود بر صراط آخرت را پیدا می کند. (همان/۳۱۱) با توجه به آیات و روایات مذکور مشخص است که عبدی از این آیات در شعرش بهره جسته است. و مقصود از صراط مستقیم اهل بیت (ع) می باشد.

۸-۴- پیامبر و غار ثور

وليلة الغار لما بتّ ممتلئاً آمناً وغيرك ملآنٌ من الرعبِ

(همان/۲۹۳)

ترجمه: در شب غار هنگامی که سرشار از امنیت اقامت گزیدی و غیر تو (ابو بکر) پر از ترس و وحشت بود. شعر مذکور به رفتن پیامبر به غار ثور اشاره می کند که پیامبر به ابوبکر فرمود ناراحت نباش که خدا با ما است. که با عبارت (غیرک ملآن...) به صورت غیر مستقیم به آیه ۴۰ سوره توبه «لا تحزن ان الله معنا» اشاره می کند.

۹-۴- لیلۃ المبيت و علی (ع)

فداه إذ أقبلت قريش عليه في فرُشه الأمير

(امین، ۱۴۰۳، ج ۷، ص ۲۷۰)

ترجمه بیت: هنگامی که قریش روی آوردند امیر مومنان خود را در بستر پیامبر فدایی قرار داد.

در این شعر عبدی مستقیماً به آیه ۲۰۷ سوره بقره اشاره دارد «و من الناس من یشرى نفسه إبتغاء مرضات الله و الله رؤوفٌ بالعباد» یعنی بعضی از مردم کسانی هستند که در طلب رضای خدا از سر جان می گذرند و خداوند به بندگان مهربان است.

این آیه بیانگر هنگامی است که جان پیامبر به خطر افتاد، و مشرکان می خواستند پیامبر را به قتل برسانند که حضرت علی (ع) حاضر شد در بستر پیامبر بخوابد (لیلة المبت) و پیامبر شبانه از شهر خارج شود.

۱۰-۴- علی (ع) و عبادت

كَمْ لَيْلَةٍ لِيَلَاءِ اللَّهِ قَامَهَا وَكَمْ صَبْحَةٍ مَسْجُورَةَ الْحَرِّ صَاهَهَا

(امین، ۱۴۰۳، ج ۷، ص ۲۶۹)

ترجمه بیت: چه بسیار از شبهای درازی را که برای خدا بیدار ماندی و چه روزهای بسیار گرمی را که روزه گرفتی. نیشابوری در روضه الواعظین از عروه بن زبیر نقل می کند که بعضی از تابعین از انس بن مالک شنیدند که می گفت: آیه ۹ سوره زمر «أَمَّنْ هُوَ قَانَتْ أَنْاءَ اللَّيْلِ سَاجِدًا وَقَائِمًا» در شأن علی (ع) نازل شده است. قال الرجل: فَأَتَيْتُ عَلِيًّا وَقَدْ الْمَغْرِبَ فَوَجَدْتُهُ يَصَلِّيُ وَ يَقْرَأُ الْقُرْآنَ أَلَى أَنْ طَلَعَ الْفَجْرُ ثُمَّ جَدَّ وَضُوءَهُ وَ خَرَجَ إِلَى الْمَسْجِدِ وَ صَلَّى بِالنَّاسِ صَلَاةَ الْفَجْرِ ثُمَّ قَعَدَ بِالتَّعْقِيبِ إِلَى أَنْ طَلَعَتِ الشَّمْسُ ثُمَّ قَصَدَهُ النَّاسُ، فَجَعَلَ يَقْضِي بَيْنَهُمْ إِلَى أَنْ قَامَ صَلَاةَ الظُّهْرِ فَجَدَّدَ الْوُضُوءَ، ثُمَّ صَلَّى بِأَصْحَابِهِ الظُّهْرَ، ثُمَّ قَعَدَ بِالتَّعْقِيبِ إِلَى أَنْ صَلَّى بِهِمُ الْعَصْرَ، ثُمَّ كَانَ يَحْكُمُ بَيْنَ النَّاسِ وَ يَفْتِيهِمْ إِلَى أَنْ غَابَتِ الشَّمْسُ وَ فِي تَفْسِيرِ الْقَشِيرِيِّ أَنَّهُ كَانَ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا حَضَرَ وَقْتُ الصَّلَاةِ تَلَوَّنَ وَ تَزَلْزَلَ فَقِيلَ لَهُ مَالِكُ؟ فَيَقُولُ: «جَاءَ وَقْتُ أَمَانَةِ اللَّهِ عَرْضَهَا اللَّهُ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ الْجِبَالِ فَأَيُّنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا، وَ حَمَلَهَا الْإِنْسَانُ فِي ضَعْفَى فَلَا أُدْرِي أَحْسَنَ إِذَا مَا حَمَلَتْ أَمْ لَا» (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۱۴۲)

ترجمه حدیث: مرد گفت: هنگام غروب نزد علی (ع) رفتم پس او را یافتم در حالیکه نماز و قرآن می خواند تا اینکه صبح طلوع کرد سپس تجدید وضو کرد و به سوی مسجد خارج شدو با مردم نماز صبح را خواند سپس به تعقیب نماز نشست تا اینکه خورشید طلوع کرد سپس مردم به سوی او آمدند پس شروع به قضاوت بین آنها نمود تا اینکه وقت نماز ظهر شد پس تجدید وضو کردو با اصحابش نماز ظهر خواند سپس به تعقیب نماز نشست تا اینکه با آنها نماز عصر را خواند سپس بین مردم قضاوت می کردو به به سوالات شرعی آنها پاسخ می گفت تا اینکه خورشید غروب کرد.

در تفسیر قشیری آمده است که وقتی زمان نماز فرا می رسید رنگش تغییر می کرد و می لرزید پس به او گفته شد تورا چه شده است؟ می گفت: وقت امانتی فرا رسیده است که خداوند بر آسمانها و زمین و کوهها عرضه کرد که از پذیرش آن سر باززدند و آن را برانسان قرار داد در ضعفم پس نمی دانم آیا این امانت را درست به دوش می کشیده ام یا نه.

۱۱-۴- صلوات بر اهل بیت (ع) و کامل شدن نماز

و لا یتیمٌ لامرءٍ صلاته حتی یوالیهم ولا یرکوا الدعا

(امین، ۱۴۰۳، ج ۷، ص ۲۷۰)

ترجمه شعر: نماز هیچ کس کامل نیست و دعایش پاک و خالص نخواهد بود مگر اینکه آنها را دوست بدارد.
 بیت مذکور به آیه ۵۶ سوره احزاب «ان الله و ملائکته یصلون علی النبی یا ایها الذین آمنوا صلوا علیه و سلّموا تسلیماً» اشاره کرده است و اینکه ما در درود فرستادن بر آل پیغمبر در نماز مأموریم.
 ابن حجر در «الصواعق» ذیل آیه یاد شده چند خبر صحیح را که در باره آن وارد شده روایت نموده و آورده است که:
 چون از پیغمبر در باره چگونگی درود و سلام بر حضرتش پرسیدند، وی درود بر آل را قرین صلوات بر خود فرمود، سپس گفته است و این دلیلی ظاهر است بر اینکه مراد از این آیه، صلوات بر خاندان و بقیه آل پیغمبر نیز هست. (رک، الصواعق المحرقة، ص ۱۴۶)

و در این باره از پیامبر روایت شده فرمود: «لا تُصلّوا علی الصلاة البتراء» «بر من درود نا تمام نفرستید» گفتند درود نا تمام چیست؟ فرمود اینکه بگوئید: اللهم صلّ علی محمد و بس کنید، بلکه بگوئید: اللهم صلّ علی محمد و آل محمد. (ابن حجر هیثمی، بی تا، ۱۴۸)

علو معنای آیه و روایات فوق الذکر در دوبیت امام شافعی چه زیبا جلوه می کند:

یا اهل بیت رسول الله حبکم
 کفاکم من عظیم القدر انکم
 فرض من الله فی القرآن انزله
 من لم یصلّ علیکم لا صلاة له

(امینی، ۱۳۶۶، ج ۲، ص ۲۹۳)

ترجمه ابیات: ای خاندان رسول خدا! خداوند محبت شما را در قرآنی که فرو فرستاده، واجب فرموده است در ارجمندی شما همین بس که آنکه بر شما درود نفرستد نمازش درست و کامل نیست.

۱۲-۴- عدل الهی و جهانی شدن

من میلاً الأرض عدلاً بعد ما ملئت
 جوراً و یقع أهل الزیغ و الشغب

(امینی، ۱۳۶۶، ج ۲، ص ۲۹۳)

ترجمه بیت: چه کسی زمین را پس از اینکه از ستم پر شود از عدالت پر می کند و اهل آشوب و بی نظمی را سر کوب می کند.

این شعر عبدی به آیه ۵۵ سوره نور اشاره می کند که خداوند می فرماید: «وعد الله الذین آمنوا منکم و عملوا الصالحات لیستخلفنهم فی الأرض کما استخلف الذین من قبلهم و لیمکنن لهم دینهم الذی ارتضی لهم و لیبدلنهم من بعد خوفهم امناً یعبدوننی لا یشرکون بی شیئاً و من کفر بعد ذلك فأولئک هم الظالمون».

ترجمه آیه: خدا به کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند، وعده داده است که حتماً آنها را در زمین جانشین گرداند، چنانکه اسلافشان را جانشین کرد، و دینشان را که برایشان پسندیده برایشان استقرار بخشد و خوفشان را به ایمنی بدل سازد، آنان مرا بندگی می کنند و چیزی را با من شریک نمی سازند و هرکس پس از آن کفر ورزد، آنها واقعاً فاسقند.

در این بیت عبدی با عبارت یملاً الأرض بعدل به طور مستقیم به آیه مذکور اشاره میکند که مربوط به حکومت جهانی صالحان و قیام و انقلاب حضرت مهدی (عج) است.

۵- بینامتنی روایی در شعر عبدی کوفی

۵-۱- حدیث ردّ الشمس

لَكَ الْمُنَاقِبُ يَعِيَا الْحَاسِبُونَ لَهَا	عداً و يعجزُ عنها كلُّ مكتتب
كَرَجَعَةِ الشَّمْسِ إِذْ رَمَتَ الصَّلَاةَ وَقَدْ	راحت تواری عن الأبصار بالحجب
رَدَّتْ عَلَيْكَ كَأَنَّ الشَّهْبَ مَا تَضَحَّتْ	لناضِرٍ وَكَأَنَّ الشَّمْسَ لَمْ تَغِبْ

(امینی، ج ۲، ص ۲۹۳)

ترجمه ابیات: تورا مناقبی است که که شمارندگان از شمردن و نویسندگان از نوشتن آن عاجز و ناتوانند. مانند رجعت خورشید هنگامی که نمازت را نخوانده بودی و آفتاب از دیدگان پنهان می شد. به خاطر تو باز گشت گویی شهابی ندرخشیده و آفتابی غروب نکرده بود.

روی: أَنْ الشَّمْسِ رَدَّتْ لَهُ فِي حَيَاةِ رَسُولِ اللَّهِ (ص) بِمَكَّةَ وَ قَدْ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) قَدْ غَشِيَهُ الْوَحْيُ، فَوَضَعَ رَأْسَهُ فِي حِجْرِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ وَ حَضَرَ وَقْتُ الْعَصْرِ، فَلَمْ يَبْرَحْ مِنْ مَكَانِهِ وَ مَنْزَلَهُ حَتَّى غَرَبَتِ الشَّمْسُ فَاسْتَيْقِظَ النَّبِيُّ (ص) وَ قَالَ: «اللَّهُمَّ إِنَّ عَلِيًّا كَانَ فِي طَاعَتِكَ فَرُدَّ عَلَيْهِ الشَّمْسُ لِيُصَلِّيَ الْعَصْرَ، فَرُدَّهَا اللَّهُ تَعَالَى عَلَيْهِ بِيَضَاءِ نَقِيَّةٍ حَتَّى صَلَّى، ثُمَّ غَرَبَتْ» (القمی، ص ۲۰)

ترجمه حدیث: روایت شده است که در زمان رسول خدا خورشید برای او بازگردانده شد در حالیکه پیامبر را وحی فرا گرفته بود و سرش در دامن علی بن ابیطالب بود و وقت نماز عصر فرا رسید پس از مکانش بر نحواست تا اینکه خورشید غروب کرد پس پیامبر بیدار شد و گفت پروردگارا علی (ع) در اطاعت و بندگی توست پس خورشید را باز گردان تا نماز عصر بخواند پس خداوند خورشید را برای او باز گرداند در حالیکه سفید و پاک بود تا اینکه نماز گزارد سپس غروب کرد.

در ابیات مذکور عبدی به طور مستقیم به حدیث رجعت خورشید اشاره دارد که با تعبیرات مختلف به آن تصریح شده است.

۵-۲- خیبر و علی (ع)

كَيْومَ خَيْبَرَ إِذْ لَمْ يَمْتَنِعْ رَجُلٌ	من اليهود بغير الفرِّ و الهرب
فَأَغْضَبَ الْمُصْطَفَى إِذْ جَرَّ رَأْيَتَهُ	على الثرى ناكصاً يهوى الى العقب
فَقَالَ إِنِّي سَأُعْطِيهَا غَدًا	يحبّه الله و المبعوث منتجب

(امینی، ج ۲، ص ۲۹۲)

ترجمه ابیات: همچون روز خیبر که هیچ نیرویی عمر را از گریز از قوم یهود ممانعت نمی کرد و پیغمبر مصطفی چون از به خاک افتادن پرچم و سرنگونی و هزیمت او به خشم آمد، فرمود: فردا، پرچم را به جوانمرد برگزیده ای می سپارم که خدا و پیغمبر دوستش دارند.

أحمد بن حنبل در کتاب مناقب اهل بیت حدیثی را با اسنادش از رسول خدا ذکر می کند که در روز خیبر فرمود: «لأعطين الراية غداً يفتحُ اللهُ على يديه، يحبُّ اللهُ ورسوله و يحبُّه اللهُ ورسوله»

قال: فبات الناس يذوكون ليلتهم أيهم يعطاها؟ فلما أصبح الناس غدوا على رسول الله (ص) كلهم يرجو أن يعطاها! فقال «أين على بن ابيطالب؟» فقالوا: هو يا رسول الله يشتكى عينيه، قال: «فأرسلوا اليه» فأتى به، فبصق رسول الله (ص) في عينيه و دعا له، [فبرأ] حتى كأن لم يكن به وجع، فأعطاها الراية فقال: على (ع): «أقاتلهم حتى يكون مثلنا؟» قال: أنفذ على رسلك حتى تنزل بساحتهم، ثم ادعهم الى الإسلام، وأخبرهم بما يجب عليهم من حقّ الله فيه، فوالله يهدي الله بك رجلاً واحداً خيراً من أن يكون لك حمر النعم» (ابن حنبل، ۱۱۳)

ترجمه حدیث: فردا پرچم را به دست کسی خواهم سپرد، که خدا و رسولش را دوست دارد و خدا و رسولش نیز او را دوست دارند. گفت: مردم آن شب را مشتاقانه به صبح رساندند به اینکه پرچم را به دست چه کسی خواهد داد؟ پس هنگامی که صبح کردند نزد پیامبر رفتند به این امید که پرچم را به آنها بدهد! پس فرمود: علی بن ابیطالب کجاست؟ گفتند ای رسول خدا از درد چشم شکایت دارد، گفت: به سویس بروید و او را آوردند، پس رسول خدا در چشم او آب دهان ریخت و برای او دعا کرد، پس بهبود یافت گویی که دردی نداشته است، پس پرچم را به او داد. علی (ع) فرمود: با آنها می جنگم تا مثل ما شوند پیامبر فرمود: آهسته و با وقار در میان آنها نفوذ کن سپس آنها را به اسلام دعوت کن و آنان را آگاه کن به حقی که خدا بر آنها واجب کرده است، به خدا قسم اگر خداوند به وسیله تو یک فرد را هدایت کند برای تو از هر چیز گران قیمتی بهتر است.

۳-۵- ساقی کوثر علی (ع)

عليك الورد تسقى من الحو
ض ومن شئت ينثني محروماً

(امین، ج ۷، ص ۲۶۹)

ترجمه بیت: در روز قیامت سقایت برعهده تو است که از حوض (کوثر) سیراب می سازی و هر کس را که بخواهی محروم می کنی.

در این باره طبرانی به اسناد رجال مورد اعتمادش، از ابی سعید خدری آورده است که پیامبر فرمود: «یا علی معک یوم القیامة عصا من عصی الجنة تذود بها المنافقین عن الحوض». (طبرانی، ج ۲، ص ۸۹)

ترجمه حدیث: «ای علی تو را در روز رستاخیز عصائی از عصاهای بهشتی خواهد بود که با آن منافقان را از حوض دور می کنی».

در بیت مذکور عبدی با عبارت (تسقی من الحوض) به طور مستقیم از این حدیث نبوی الهام گرفته است.

۴-۵- تقسیم کننده بهشت و جهنم و علی (ع)

و الیک الجواز تدخل من شئت

جناناً و من تشاء جحیماً.

(امین، ج ۷، ص ۲۶۹)

ترجمه بیت: جواز ورود (به بهشت) در دست تو است هر کس را که بخواهی در بهشت داخل می کنی و هر کس را که بخواهی در جهنم وارد می سازی.

حموئی در فرائد السمطین حدیثی را با سندش از علی بن ابی طالب نقل می کند که فرمود: قال النبی (ص): «یا علی إیک قسیم النار و إنک تقرع باب الجنة فتدخلها بلا حساب». (حموئی، ج ۱، ص ۳۲۵)

ترجمه حدیث: پیامبر فرمود: ای علی تو تقسیم کننده جهنم هستی و تو در بهشت را می کوبی و بدون حساب داخل می شوی.

عبدی در این شعر از حدیث پیامبر بهره گرفته که بیان می کند که علی (ع) تقسیم کننده بهشت و جهنم است. شاعر چه زیبا مدحش را در باره علی (ع) در نهایت کمال بیان داشته است:

علی حبه جنة
وصی المصطفى حقاً
قسیم النار و الجنة
إمام الإنس و الجنة

(حموئی، ج ۱، ص ۳۲۶)

ترجمه ابیات: علی (ع) دوستیش سپری است. تقسیم کننده بهشت و جهنم است. به حق وصی پیامبر است و پیشوای انس و جن است.

۵-۵ حضرت علی (ع) و فاطمه زهراء (س)

صدیقةٌ خلقت لصدیقٍ
شریفٍ فی المناسب.

(امین، ج ۷، ص ۲۷۰)

فاطمه زنی بسیار راستگو برای مردی بسیار راستگو که در نسب شریف است آفریده شده است. مقصود عبدی از صدیقه در این شعر فاطمه (س) است دختر پیامبر اکرم (ص) است که پدرش او را به این نام نامیده، با توجه به حدیثی که از پیامبر روایت شده است، قال رسول الله (ص) لعلی: «أوتیت ثلاثاً لم یوتهنّ احدٌ ولا أنا: أوتیت صهراً و لم أوت مثلی و أوتیت زوجة صدیقة مثل ابنتی و لم أوت مثلها زوجة و أوتیت الحسن و الحسین من صلبک و لم أوت من صلبی مثلهما، و لکنکم منی و أنا منکم» (طبری، ج ۳، ص ۱۵۲)

ترجمه حدیث: پیامبر (ص) به علی (ع) فرمود: سه چیز به تو ارزانی شده است که به هیچ کس، و به من هم، ارزانی نشد. تو داماد کسی چون من شدی که من چنین نشدم و تو را، زنی صدیقه چون دختر من دادند که چنین زنی به من ارزانی نشد. و حسن و حسین از پشت تو آمدند. و از صلب من چون آنان به وجود نیامد. لیکن شما از من هستید و من از شمایم.

مقصود عبدی از «صدیق» امیر مومنان علی (ع) است که در روایات بسیاری پیامبر او را صدیق اکبر و فاروق اعظم نامیده است.

حموئی در کتاب فرائد السمطین حدیثی را با ذکر سندش از روایت کرده است که به علی (ع) فرمود: «انتَ أوَّل من آمن بی، و انت اول من یصافحنی یوم القیامة، و انت الصدیق الأكبر، و انت الفاروق الذی یفرِّق بین الحق و الباطل، و انت یعسوب المسلمین و المال یعسوب الکفار» (حموئی، ج ۱، ص ۱۴۰)

ترجمه حدیث: تو اولین کسی هستی که به من ایمان آوردی، تو اولین کسی هستی که در روز رستاخیز با من مصافحه می کنی، و تو صدیق اکبر هستی و تو فاروقی هستی که حق و باطل را از هم جدا میکند، تو یعسوب مسلمانان هستی و ثروت یعسوب کافران است.»

۶-۵- علی (ع) و فاطمه (س) و سایه عرش الهی

اسماهما قرنا علی سطرٍ بظلِّ العرشِ راتب.

(امین، ج ۷، ص ۲۷۰)

ترجمه بیت: اسمهای آن دو (فاطمه (س) و علی (ع)) در یک سطر در ظلّ عرش در کنار هم آورده شده است
خطیب بغدادی در تاریخش از ابن عباس روایت کرده است: «قال رسول الله (ص): ليلة عُرِّج بی الی السماء رایتُ علی باب الجنة مكتوباً: لا اله الا الله، محمد رسول الله، علی حبيب الله، و الحسن و الحسين صفوة الله، فاطمة خيرة الله، علی مبغضهم لعنة الله» (خطیب بغدادی، ج ۱، ص ۲۵۹)

ترجمه حدیث: رسول خدا (ص) فرمود: شبی که به معراج رفتم، دیدم بر در بهشت نوشته شده است: معبودی جز الله نیست، محمد فرستاده خداست، علی دوست خداست، حسن و حسین (ع) برگزیده خداست، فاطمه انتخاب شده خداست، بر دشمنانش نفرین خداست.

این شعر عبدی مستقیماً به این حدیث پیامبر (ص) اشاره دارد که نام فاطمه و پدر و شوهر و فرزندان در ظل عرش و در باب بهشت نوشته شده است.

۷-۵- پیوند آسمانی علی (ع) و فاطمه (س)

كان الإله وليها و امينهُ جبريلُ خاطب.

(امین، ج ۷، ص ۲۷۰)

ترجمه بیت: خداوند ولی و سرپرست فاطمه در (ازدواج) بود و و جبرئیل امین نیز خطبه خوان آن بود.
بیت دیگری نیز به همین مضمون دارد:

و زوج في السماء بأمر ربِّي بفاطمة المهذبة الطهور.

(همان، ص ۲۷۰)

ترجمه بیت: در آسمان به فرمان خدایم او علی (ع) را به همسری فاطمه پاک و پاکیزه در آورد.

محب الدین الطبری در کتاب ذخائر العقبی از رسول خدا روایت شده است که فرمود: «أتانی ملکُ فقال یا محمد إنَّ الله یقرأُ علیک السلام و یقول لک ائی قد زوجتُ فاطمةَ ابنتک من علی بن ابطالب فی الملاء الأعلى فزوجها منه فی الأرض» (رسولی محلاتی، ص ۳۹)

ترجمه حدیث: فرشته ای به نزد من آمد و گفت: خداوند تو را سلام می رساند و می گوید: من دختری را به همسری علی بن ابطالب در آوردم تو هم در زمین این کار را انجام بده.

در اشعار بالا عبدی به ازدواج علی (ع) و فاطمه (س) اشاره دارد که به دستور خداوند انجام گرفت.

۸-۵- حضرت فاطمه (س) و مهریه او

و صیر مهرها خمساً بأرضٍ لما تحویه من کرم و حور
فذا خیر الرجال و تلک خیر النساء و مهرها خیر المهور.

(امین، ج ۷، ص ۷۰)

ترجمه ابیات: یک پنجم زمین را به خاطر سخاوت و خردی که در اوست، مهریه او قرارداد پس این بهترین مردان و آن بهترین زنان و مهریه اش بهترین مهریه ها است.

این ابیات اشاره به این حدیث از پیامبر است که در کتاب فرائد السمطین نقل شده است که رسول خدا به علی (ع) فرمود: «یا علی ان الأرض لله یورثها من یشاء من عباده، وانه أوحی الی أن أزوج فاطمة علی خمس الأرض، فهی صداقتها، فمن یشی علی الأرض و هو لکم مبغض فالأرض حرام علیه أن یشی علیها» (حموئی، ج ۱، ص ۹۵)

ترجمه حدیث: ای علی! همانا زمین از آن خداست، و آن را به هر یک از بندگان خود که بخواهد، وا می گذارد. اینک به من وحی فرستاده شده که فاطمه را با مهر یک پنجم زمین به ازدواج تو در آورم، پس آن صداق اوست و هر کس بر زمین گام نهد، و دشمن شما باشد، راه رفتنش بر زمین حرام است.

۹-۵- دوستی اهل بیت و قبولی اعمال

لا یقبل الله لعبدٍ عملاً حتی یوالیهم بإخلاص الولا.

(امین، ج ۷، ص ۲۷۰)

ترجمه بیت: خداوند از بنده ای عملی را قبول نمی کند مگر اینکه از صمیم قلب آنها را دوست بدارد. ابن عباس در حدیثی از پیامبر (ص) روایت میکند: «لو انَّ رجلاً صَفَنَ بَینَ الرکنِ و المقامِ فصلی و صام، ثمَّ لقی الله و هو مُبغضٌ لأهلِ البیتِ محمد دخل النار» (نیشابوری، ج ۳، ص ۱۶۳)

ترجمه حدیث: اگر مردی میان رکن و مقام پاهای خود را جفت کند پس نماز بخواند و روزه بگیرد سپس خداوند را ملاقات کند در حالیکه کینه اهل بیت پیامبر را در دل داشته باشد، در جهنم داخل می شود.

بیت مذکور عبدی به طور مستقیم به این حدیث پیامبر اشاره می کند که شرط قبولی عمل در ولایت و دوستی انسان به اهل بیت (ع) می باشد.

۱۰-۵-امام علی (ع) وعاقبت جسارت به او

و قد روی عكرمة في خبر	ما شك فيه أحدٌ و لامتری
مرّ ابن عباسٍ علی قوم و قد	سبوا علیاً، فاستراع و بکی
و قال مغتاضاً لهم: ایکم	سبّ إله الخلق جلّ و علا؟
قالوا: معاذ الله! قال ایکم	سبّ رسول الله ظلماً و اجترأ؟
قالوا: معاذ الله! قال ایکم	سبّ علیاً خیر من وطئ الحصى
قالوا: نعم قد کان ذا،	فقال: قد سمعتُ و الله النبی المجتبی
يقول: من سبّ علیاً سبّنی	و سبّتی سبّ الإله و اکتفی.

(امین، ج ۷، ص ۲۷۰)

ترجمه ابیات: عکرمه در خبری که هیچ شک و تردیدی در صحت آن نیست، آورده است که: ابن عباس بر گروهی که علی را سب می کردند، گذشت، حیرت کرد و گریست و باخشم به آنها گفت: کدامتان خدای - جل و علا- را لعنت می کند؟ گفتند: از چنین کاری به خدا پناه می بریم، گفت: گفت: کدامتان پیامبر را نا سزا می گوید و جرأت آن را دارد؟ گفتند: از چنین کاری به خدا پناه می بریم، گفت: کدام یک از شما علی آن بهترین مردم روی زمین را دشنام می دهد گفتند: ما چنین می کنیم، گفت: به خدا قسم من از پیغمبر بر گزیده شنیدم، هر کس علی را سب کند مرا سب کرده و آنکه مرا لعن کند خدا را ناسزا گفته است، و سخن را تمام کرد.

قال رسول الله (ص): «من سبّ علیاً فقد سبّنی و من سبّنی فقد سبّ الله عز و جلّ، و من سبّ الله کبه الله علی منخريه فی

النار» (رک. الکنجی: ص ۸۲ / حموی ج ۱، ص ۳۰۲)

ترجمه حدیث: هر کس علی را دشنام دهد مرا دشنام داده، و هر کس مرا دشنام دهد خدای بلند مرتبه و بزرگ را دشنام داده، و هر کس خدا را دشنام دهد خداوند او را به بینی در آتش می اندازد.

در ابیات مذکور عبدی حدیث پیامبر اسلام را با مهارت خاصی به نظم کشیده است. که این شعر به به طور مستقیم به حدیث پیامبر (ص) اشاره می کند که دشنام به علی (ع) همان دشنام به خداوند بلند مرتبه است

۱۱-۵-حدیث کساء و اهل بیت (ع)

لو لم یكونوا خیر من وطئ الحصى	ما قال جبریلُ لهم تحت العبا
هل انا منکم شرفاً ثمّ علا	یفاخِرُ الأملاکِ إذ قالوا بلی.

(امین، ج ۷، ص ۲۶۹)

ترجمه بیت: اگر آنها بهترین کسانی نبودند که بر شنها گام نهادند جبرئیل در زیر عبا به آنها نمی گفت: آیا من در شرف و بزرگی از شما هستم؟ وقتی گفتند آری! به بالا رفت در حالیکه به فرشتگان فخر فروشی می کرد.

عبدی در ابیات مذکوربا عبارت "ما قال.. تحت العبا" به طور بینا متنی مستقیم به حدیث مشهور کساء اشاره دارد که در شأن پنج تن آل عبا نازل شده است که پیامبرگرامی اسلام (ص) علی و فاطمه و حسن و حسین را در زیرعبای خود برده و آنها را اهل بیت خطاب کردند و در حقشان دعا نمودند که بعد از آن آیه تطهیر در شأن آنها نازل شد.

نتیجه گیری:

۱. عبدی کوفی با دو اسم سفیان بن مصعب عبدی یا سیف بن مصعب عبدی معروف و مشهور بوده، یکی از شاعران شیعی بااخلاص سده ۲ هجری می باشد که شعرش مورد تایید امام صادق (ع) قرار گرفته به طوری که به اصحاب خود سفارش کردند که شعر عبدی را به فرزندان خود بیاموزند.

۲. در جای جای اشعار عبدی عشق به قرآن و اهل بیت (ع) موج می زند و استفاده عبدی از مضامین قرآنی و روایی که در آن به رویدادهای مهمی چون واقعه غدیر، لیلة المبيت، ولایت علی (ع)، حدیث ردالشمس، حدیث کساء و... اشاره کرده دلیل روشنی براین مدعاست.

۳. عبدی کوفی در بهره گیری از مضامین قرآنی وروائی از عین الفاظ موجود در قرآن واحادیث استفاده کرده و با یک حرفه و مهارت خاصی آن را به نظم کشیده است و بینا متنی در آن بیشتر به طور مستقیم می باشد.

۴. در اشعارعبدی کوفی از الفاظ سلیس و روان استفاده شده به طوری درک معنا از آن دشوار نیست و این یک مزیت مهم برای شعر او محسوب می شود.

۵. به عبدی کوفی نسبت غلو داده اند در حالیکه در سرتاسر اشعار او جزبیان واقعیت و حقیقت که در آن شاعرارادت خود را به ساحت مقدس قرآن کریم و اهل بیت (ع) نشان داده، و تجلی گر سیمای حقیقی آل الله است مشاهده نمی شود.

۶. شاعران شیعه در دوران حیات خویش مهجور بوده و بعد از وفاتشان به علت برخی غرض ورزی ها از ذکر نام و شرح حال آنها در کتب تراجم وتاریخی خودداری شده واین کینه توزی ها باعث شده که ما ازبخش عظیمی از منابع ومعارف اصیل اسلامی که می توانست چراغ راه بسیاری از انسانهای مشتاق باشد، محروم شویم پس باید هرچه در توان داریم در ترویج اندیشه های ناب و اصیل اسلامی وشناساندن چهره های گمنامی همانند این شاعر شیعی به نسل آینده بکوشیم.

مراجع :

قرآن الکریم

۱. ابن شهر آشوب، رشید الدین، «مناقب آل ابی طالب» النجف، المطبعة الحیدریه، لاطا، ۱۳۷۵ش.

۲. ابن حجر هیثمی، احمد بن محمد، «الصواعق المحرقة»، تهران، بی تا.
۳. ابن حنبل، احمد، «فضائل اهل البيت» تحقیق محمد کاظم محمودی، المجمع العالمی للتقريب بين المذاهب الإسلامية، الطبعة الثانية، ۱۴۲۹ ق.
۴. امین، سید محسن، «اعیان الشیعه» بیروت دار التعارف، ط ۱، ۱۴۰۳ ق.
۵. امینی، علامه عبد الحسین، «الغدیر» تهران، دار الکتب الإسلامية، ط ۱، ۱۳۶۶ ش.
۶. جوینی خراسانی، ابراهیم بن محمد، «فرائد السمطین» بیروت، مؤسسه المحمودی للمطبوعات، ط ۱، ۱۳۰۸ ش.
۷. حسکانی، عبید الله بن عبد الله، «شواهد التنزیل لقواعد التفضیل»، تهران، مجمع احیاء الثقافة الإسلامية، بی تا.
۸. حلّی، ابن داوود، «رجال ابن داود» النجف، المطبعة الحیدریه، لا ط، ۱۳۸۲ ش.
۹. حلّی، حسن بن یوسف، بن مطهر، «رجال علامه حلّی» النجف، المطبعة الحیدریه، لا ط، ۱۳۸۲ ش.
۱۰. خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی، «تاریخ بغداد» مصر، مطبعة السعادة، لا ط، ۱۳۴۹ ش.
۱۱. رسولی محلاتی، سید هاشم، «زندگانی حضرت فاطمه و دختران آن حضرت»، تهران، چاپخانه دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۶ ش.
۱۲. زمخشری، محمود بن عمر، «الکشاف»، بیروت، دار الکتب العربی، لا ط، بی تا.
۱۳. سعدون زاده، جواد «سفیان بن مصعب العبدي شاعر اهل بیت»، مجله لسان مبین دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره) قزوین، سال دوم، دوره جدید، شماره یک، صص ۱۵۸-۱۷۵، ۱۳۸۹ ش.
۱۴. شبر، سید جواد، «أدب الطف» بیروت، دار المرتضی، ط ۱، ۱۴۰۹ ق.
۱۵. شیخ مفید، محمد بن محمد، «الأمالی»، قم، کنگره شیخ مفید، لا ط، بی تا.
۱۶. صدرحاج سید جوادی، احمد، «دائرة المعارف تشیع» تهران، بنیاد اسلامی طاهر، ۱۳۶۶ ش.
۱۷. طباطبائی، محمد حسین، «تفسیر المیزان» مترجم: محمد باقر موسوی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۴.
۱۸. طبرسی، فضل بن حسن، «مجمع البیان» تحقیق رسولی محلاتی ویزدی طباطبائی، بیروت، دار المعرفه، ۱۴۰۸ ق.
۱۹. طبرانی، سلیمان بن محمد، «التفسیر» دار الکتب الثقافی، لا ط، بی تا.
۲۰. طبری، احمد بن عبد الله، «ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی» قم، دار الکتب الإسلامية، لا ط، ۱۳۸۶ ش.
۲۱. القمی، محمد بن الحسن، «العقد النضید والدر الفرید» تحقیق علی اوسط الناطقی، نشر دار الحدیث، ط ۱، ۱۳۸۱ ش.
۲۲. کشی، محمد بن عمر بن عبد العزیز، «رجال الکشی» قم، مؤسسه آل البيت، ط ۱، ۱۴۰۴ ق.
۲۳. کرمانی شیخ رئیس، «شعرای شیعه در عصر اول عباسی» تهران، اطلاعات، چاپ اول، ۱۳۸۸ ش.
۲۴. الکنجی، محمد بن یوسف، «کفایة الطالب» تحقیق محمد هادی امینی، تهران، دار احیاء التراث اهل البيت (ع)، ۱۳۶۲ ش.

٢٥. محدثی، جواد، «شاعر ولایت و حریت عبدی کوفی» علوم قرآن و حدیث، فرهنگ کوثر، شماره ٢٤، صص ٤٤-٤٧، ١٣٧٧ ش.

٢٦. نیشابوری، حاکم، «مستدرک علی الصحیحین» اشراف: یوسف عبد الرحمن المرعشلی، بیروت، دار المعرفة، لاطا، بی تا.